

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

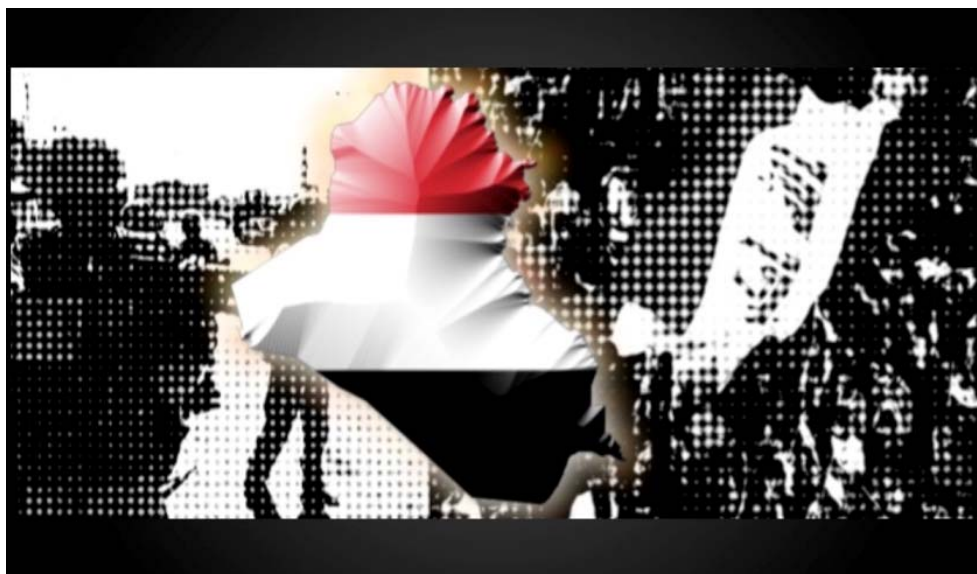
Political

سیاسی

احمد مزارعی
۲۱ نومبر ۲۰۱۹



عراق بر سر دو راهی



دوستان این مقاله را من در سال ۲۰۰۸، نوشته و علی رغم ناروشنیهای زیادی که در آنروزها وجود داشت، ولی می توان به اوضاع عمومی عراق آنروز و در ادامه تا امروز پی برد. در مقاله نامی از نوح فیلمان، حقوقدان و وکیل اسرائیلی ساکن امریکا نیز آمده است، وی قبل از اشغال عراق به توسط امریکا، از طرف کاخ سفید مأمور شده بود تا برای عراق آینده قانون اساسی بنویسد، در نظر بگیریید اسرائیلی باشی، ساکن امریکا باشی و از طرف کاخ سفید مأمور نوشتن قانون اساسی برای کشوری باشی که نه به آنجا رفته و از تاریخ و سیر سیاسی آن ملت هم اطلاعی نداشته باشی آنگاه برایشان قانون اساسی بنویسی، امریکائیهها که از حول حلیم دردیگ «نفت سیاه و غلیظ» افتاده از نوح

فیلدمان خواسته بودند که تعداد «معتنا بهی» قانون اساسی برای چند کشور دیگر هم بنویسد، وی هم «بی انصافی» نکرده از جمله برای تونس، و مصر هم نوشته بود. زنده یاد «ادوارد سعید» اکادمیسین فلسطینی این وضعیت کم‌دی قانون اساسی نویسی امریکا و نوح فیلدمانشان را با تمسخر در مقاله مفصلی توضیح داده بود. البته آقای فیلدمان برای این کشورها رهبر راهم مشخص کرده بود. برای مثال برای تونس آقای غنوشی که البته بعد از «بهار عربی» از طرف اخوان المسلمین رئیس جمهور شد و نتیجه آن شد که بعد از یکی دو سال تروریستها در تونس موفق شدند تعدادی از شخصیت‌های بسیار برجسته ملی و دموکرات تونس را ترور کنند. نوح فیلدمان برای ریاست جمهوری آینده ایران هم آقای عبدالکریم سروش را در نظر گرفته بود. طبق طرح امریکا قرار بود بعد از عراق ایران هم به اشغال درآید. بیچاره نوح فیلدمان نمی دانست که در ایران «بعد از شاه نوبت امریکا است» امشب بنا داشتیم مطلبی در مورد آخرین رویدادهای عراق بنویسم که به یک باره یادم به این مقاله افتاد و دیدم خالی از لطف نیست که با بازانتشارش، دوستان به «نیوگ مشعشعانه» امریکائیا پی ببرند. در مورد رویدادهای عراق نیز مطلبی خواهم نوشت که به طور طبیعی ادامه همین اوضاع خواهد بود.

هم اکنون «جنگ در سایه» میان امریکا و همپیمانانش از یکسو و محور مقاومت منطقه از طرفی دیگر با سرسختی تمام در میدانهای شهرهای لبنان و عراق ادامه دارد، نباید شک داشت که امریکا باز هم متحمل شکست بزرگ دیگری در این مصاف خواهد بود.

معضل امضای قرارداد امنیتی با امریکا



هم اکنون ملت عراق در نگرانی عمیقی به سر می برد. سؤالی که مردم در برابرش قرار دارند این است که پس از ۶ سال جنگ و کشتار و تخریب و محرومیت مردم از آزادی، آیا قرارداد امنیتی شومی که به موجب آن کشور عراق برای مدت ۹۹ سال به مستعمره امریکا تبدیل خواهد شد، به امضاء خواهد رسید یا نه؟ مردم عراق و بسیاری نیروهای سیاسی و اجتماعی و فعالان جامعه مدنی عراق تا حد زیادی چشم به راه نتایج انتخابات ریاست جمهوری در امریکا هستند، زیرا باور دارند در صورت پیروزی دمکراتها زمینه خروج سربازان امریکا فراهم خواهد شد و کشورشان به سوی استقلال و آزادی و بدون وجود سربازان بیگانه حرکت خواهد کرد. از آن سو نوکانهایی که اکنون در قدرت قرار دارند می کوشند تا قبل از پایان دوره ریاست جمهوری بوش و همچنین قبل از پایان مهلت بقاء سربازان امریکائی که بنابه مصوبه شماره ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸، پایان می یابد، قرارداد امنیتی تازه ای را با دولت مالکی به امضاء برسانند تا مجبور نباشند سربازان خود را از عراق خارج کنند.

با در نظر گرفتن مطالب بالا به شرح بیشتر اوضاع عراق می پردازیم تا ببینیم عراق به کجا می رود.

پیش زمینه های اشغال کشور عراق

پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس که امریکا موفق شد با کمک سی کشور دیگر، ارتش صدام حسین را در عملیاتی به نام "توفان صحرا" از کویت اخراج کند، شورای امنیت ملل متحد، دولت عراق را خطری برای "صلح و امنیت" جهانی تشخیص داده و این کشور را مشمول بند هفتم خود قرار داد و در نتیجه عراق تحت تحریم گسترده قرار گرفت. عراق تنها مجاز بود در برابر فروش نفت محدود خود از بازار جهانی غذا و دارو خریداری کند. این برنامه تحت عنوان "نفت در برابر غذا" توسط ملل متحد و عملاً توسط امریکا و انگلیس علیه عراق اعمال شد. اعمال تحریم علیه عراق با تجاوزات نظامی امریکا و انگلیس همراه بود و همگان شاهد بودند که این دو کشور به طور مدام مناطقی را در عراق بمباران می کردند و در حقیقت زمینه را برای تضعیف و به زانو درآوردن آن فراهم می کردند که هر آنگاه تصمیم به اشغال عراق بگیرند با مقاومت زیادی روبه رو نشوند. شدت تحریم بسیار فاجعه بار بود. آنان حتی از ورود مداد برای دانش آموزان مدرسه به این دلیل که ممکن است از سرب درون آن برای مصارف نظامی استفاده شود جلوگیری کرده و در دوره تحریم دوازده ساله ۷۵۰ هزار کودک عراقی جان خود را از دست دادند که خانم "البرایت" وزیر خارجه امریکا در برابر جهانیان اعلام داشت که مرگ کودکان عراقی برای "صیانت دمکراسی" ضروری بوده است.

در ادامه، امریکا به این ها نیز بسنده نکرده و در اوایل سال ۲۰۰۳، با این ادعا که صدام حسین دارای "اسلحه کشتار جمعی" است و با بن لادن رابطه دارد، به این کشور لشکر کشید و عراق را به اشغال خود درآورد. ابتداء جنرال گارنر و سپس برایمر به حاکم اصلی عراق تبدیل شد و تشکیلاتی تحت نام "مجلس حکومتی" با شرکت مجلس اعلا، حزب الوعده، طالبانی و بارزانی، جبلی، علاوی و "حزب کمونیست" عراق، به وجود آمد و برای اداره کشور دست به کار شد.

ملل متحد در ماه می ۲۰۰۳ طی مصوبه ای به شماره ۱۴۸۳ تصویب کرد که از این پس عراق رسماً در زیر اشغال امریکا به سر می برد. در آن روزها توجیه "قانونی" این بود که کشور اشغالگر موظف است امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مذهبی و . . . را برای ملت زیر سلطه خود تأمین کند. از این پس اختیار کشور و ملت عراق به دست امریکا افتاد. مجلس حکومتی به مدت یک سال در معیت ارتش امریکا عراق را اداره کرد. تا این که در سال ۲۰۰۴ ملل متحد طی مصوبه شماره ۱۵۴۶، اعلام کرد که از این پس کشور عراق مستقل است و سیادت از طرف امریکا به ملت عراق تفویض شد. از این مرحله ایاد علاوی نخست وزیر شد و همان اعضاء سابق "مجلس حکومتی" تبدیل به وزرای کابینه علاوی شدند. گویا تغییر نام از مجلس حکومتی به کابینه علاوی استقلال و سیادت را تأمین کرد. به هر حال در این دوره قرار شد وزرای کابینه به همراه کارشناسان حقوقی، پیش نویس قانون اساسی عراق را که توسط "نوح فیلدمان" شهروند اسرائیلی ساکن امریکا تهیه شده بود، جرح و تعدیل کرده و به تصویب برسانند و چنین شد. "قانون اساسی" به مدت ۱۰۰ روز به تصویب رسید و براساس آن "انتخابات دمکراتیک" به راه افتاد و پارلمان "دمکراتیک" زائیده شد. (۱) قابل ذکر است که علی رغم این که با تشریفات بسیار عظیمی اسناد انتقال "سیاست" به نمایندگان تازه کابینه تحویل داده شد، سربازان امریکائی همچنان در عراق ماندند و فجایع عظیم زندان های عراق و معروف ترین آن "ابوغریب" همه در دوران "سیادت" اتفاق افتاد.

در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به موجب دو مصوبه دیگر ملل متحد به شماره های ۱۶۳۷ و ۱۷۲۳ ابقای سربازان امریکائی در عراق تمدید شد و البته هدف این سربازان کمک به استقرار و استحکام "دمکراسی" در عراق بود. آخرین مصوبه ای که ملل متحد در مورد ماندن سربازان امریکائی در عراق به تصویب رسانید شماره ۱۷۹۰ و در ۳۱ دسمبر ۲۰۰۷ بود که در آن یادآوری می شود که این آخرین مصوبه در این زمینه است و در پایان این مهلت سربازان امریکا باید خاک عراق را به طور کامل ترک کنند. یادآوری این نکته در اینجا ضروری است که در این دوره علی رغم این که عراق از کشوری "دیکتاتوری" به کشوری "دمکراسی" و با دست "آزاد" ترین کشور جهان یعنی امریکا، تغییر یافته، اما هنوز نه امریکا و نه شورای امنیت "بند هفتم" را که به موجب آن عراق زیر تحریم قرار گرفت، لغو نکرده اند و البته باید گفت که این سیاست امریکا است تا بتواند از این حربه برای تهدید و فشار علیه "عراق دمکراتیک" استفاده کند.

اکنون ۳۱ دسمبر ۲۰۰۸ نزدیک است و بنابه مصوبه ملل متحد که امریکا هم آن را به امضاء رسانیده، نیروهای ائتلاف امریکا، انگلستان، استرالیا و غیره باید کشور عراق را کاملاً ترک کنند و عراق در شکل کشوری کاملاً مستقل در عرصه جهانی به رسمیت شناخته شده و عمل کند، اما امریکا بنا ندارد به این قرارداد ملل متحد گردن گذارد، بلکه درصدد است با به امضاء رسانیدن دو قرارداد، یکی امنیتی و دیگری اقتصادی بقای خود را در عراق برای یک دوره ۹۹ ساله تضمین کند.

من در اینجا بخش کوچکی از قرارداد امنیتی را که در تاریخ ۶ جولای ۲۰۰۸ در مطبوعات عراق از جمله نشریات "الصباح" و "بینه" به چاپ رسیده می آورم تا به اهداف امریکا از امضای این قرارداد پی ببریم. مطالبات امریکا، رایان کروکر (۲)

- ۱- ساختن زندان ها و بازداشتگاه ها باید زیر نظر مسؤولان امریکائی باشد.
- ۲- امریکا باید برای مبارزه با تروریسم به هر طریقی که مناسب می داند آزاد باشد.
- ۳- مصونیت حقوقی برای مأموران و سربازان امریکائی پس از خروج رسمی.
- ۴- محموله های پستی امریکائی ها نباید مورد تفتیش کسی قرار گیرد. مسؤولان عراقی نباید از محتوای محموله ها اطلاع داشته باشند. این محموله ها ممکن است در شکل ارسال با هواپیما، هلی کوپتر، کشتی، ماشین و غیره باشد.
- ۵- احداث ۳۴۸ مرکز نظامی در سراسر عراق، به غیر از پایگاه های بزرگ نظامی، بعضی از این مراکز ممکن است مخفی باشد.
- ۶- امریکا باید بتواند از نیروهای سایر کشورها در عملیات نظامی و مبارزه با تروریسم استفاده کند. . .

نگروپونتی در عراق

روز هشتم اکتوبر آقای نگروپونتی وارد عراق شد و روز بعد با مالکی و تعدادی دیگر از رهبران دولت عراق دیدار کرد. بنابه نوشته مطبوعات عراق نگروپونتی در جلسه مذکور حاضران را چنین مورد خطاب قرار می دهد: "اجازه بدهید صراحتاً به شما بگویم و البته این گفته آقای رئیس جمهور است که مصونیت سربازان، در عراق خط قرمز است و ما به هیچ کس اجازه نمی دهیم از این خط قرمز عبور کند. همچنین امضای قرارداد امنیتی و اقتصادی هدف ستراتیژیک ما است و خون های سربازان امریکائی که در عراق ریخته شده، برای امضای این قرارداد است. با این حساب شما باید آن را امضاء کنید وگرنه صحبت دیگری با شما و سایر معترضان خواهیم داشت."

بنابه نوشته مطبوعات عراقی، مالکی پس از نگرپونتی اظهار داشت که ما در امضاء کردن قرارداد حرفی نداریم اما موانعی در پیش است که باید آن را از میان برداریم. روز بعد مالکی به حضور سیستانی مرجع تقلید شیعیان عراق می‌شتابد و به مدت چهار ساعت با وی به مذاکره می‌پردازد و سپس مالکی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و اظهار داشت که آیت الله سیستانی گفته اند که قرارداد مذکور باید از طرف سه مرجع در عراق مورد مطالعه قرار گرفته و سپس به امضاء برسد: یکم جریانات و احزاب سیاسی، دوم پارلمان عراق و سوم ملت عراق که باید محتوای قرارداد را تأکید کرده و به تصویب برسانند.

در حقیقت مالکی برای فرار از رودروئی با نگرپونتی دست به دامن سیستانی شد و سیستانی هم این توپ را به زمین احزاب، پارلمان و ملت عراق پرتاب نمود که اوضاع را بسیار پیچیده نموده و اکنون سرنوشت قرارداد نامعلوم است.

روز دوم ورود نگرپونتی به عراق آقای دکتر عبدالله عقیلی استاد حقوق سیاسی و تاریخ دانشگاه بغداد و نماینده مجلس از طرف جناح مقتدا صدر، در منطقه امنیتی امریکائی ها در بغداد به قتل رسید. وی از مخالفان امضای قرارداد امنیتی بود و برای این کار با تهیه طوماری موفق شده بود تا یکصد و ده نفر از اعضای پارلمان را با خود همراه کرده و آنان طومار را امضاء کرده بودند.

بدون شک ترور وی همراه با آمدن نگرپونتی، تهدیدی بود علیه همه مخالفان قرارداد که البته نتیجه به عکس داشت. در جریان تشییع جنازه وی جمعیت انبوهی از شخصیت های ملی و مترقی عراق از جمله تعداد زیادی دانشجویان دانشگاه بغداد شرکت داشتند. مراسم تشییع تبدیل به تظاهرات بزرگی علیه امریکا شد که با سخنرانی های فراوان و به آتش کشیدن پرچم امریکا همراه بود. ترور این شخصیت مبارز عراقی و تهدیدات نگرپونتی در حضور مالکی، اوضاع را در عراق بیشتر به ضرر امریکائی ها تغییر داد و بازتاب های آن را در روزهای بعد علنی ساخت.

موضع گیری احزاب و سازمان ها و مؤسسات مذهبی نسبت به قرارداد امنیتی

در عراق کنونی دو ائتلاف شامل کردها، بارزانی و طالبانی و شیعیان که شامل مجلس اعلا به رهبری حکیم، حزب الوعده به رهبری مالکی، حزب فضیلت و جریان مقتدا صدر، پنج حزب و جبهه سنی و ملی شامل: حزب اسلامی به رهبری طارق هاشمی، جبهه توافق به رهبری دلیمی، حزب مذاکره ملی به رهبری صالح مطلق، حزب ملی عراق به رهبری ایاد علاوی و "حزب کمونیست" عراق مؤسسات و مراکز مذهبی شامل: هیأت علمای اسلام به رهبری آیت الله ضاری رهبر کل سنی های عراق، آیت الله خالصی، آیت الله بغدادی و آیت الله سیستانی وجود دارد. از مجموع احزاب، سازمانها و مؤسسات مذهبی آنان که به طور جدی و قاطعانه مخالف امضای هرگونه قراردادی با امریکا بوده و خواستار استقلال کامل عراق و خروج همه نیروها و سربازان بیگانه از عراق هستند به ترتیب زیر می باشند:

جریان مقتدا صدر: این گروه که تشکیلاتی بسیار گسترده در عراق دارند و از اعتبار و نفوذ فراوانی در میان عامه مردم عراق به ویژه محرومان و فقرا عراقی برخوردارند، شدیداً با بقاء و یا تمدید قرارداد با امریکا مخالف و همانطور که خبرگزاریهای بین المللی گزارش دادند در تظاهراتی که آنان برای مخالفت با قرارداد از مردم دعوت کرده بودند بیش از یک میلیون نفر از مردم عراق شرکت داشت و در حقیقت فراندومی بود که مردم به امضای قرارداد پاسخ منفی دادند.

آقای عبدالامیر رکابی رئیس جبهه ملی عراق که در یک مصاحبه طولانی با تلویزیون انگلیسی زبان روسیه مصاحبه می کرد در این مورد گفت، شرکت عظیم و گسترده افشار مختلف مردم عراق در تظاهرات روز شنبه به جهانیان ثابت کرد که ملت عراق با بقای امریکا در عراق مخالفند و این کشور باید خاک عراق را ترک کند.

هیأت علمای اسلامی: این تشکیلات که در رأس مؤسسات سنی مذهب عراق قرار دارد و آیت الله ضاری رهبر آن است آشکارا مخالف وجود امریکا در عراق است. آیت الله ضاری با صدور فتوایی از همگان خواست تا به مخالفت خود با بقای امریکا ادامه دهند. وی که دوشنبه هفته گذشته با تلویزیون الجزیره مصاحبه می کرد به جوانب مختلف قرارداد استعماری امریکا پرداخته و از طرفی به سیاهکاری های چندساله گذشته امریکا در عراق پرداخت و نتیجه گرفت که ملت عراق به هر قیمتی که شده باید امریکا را از خاک خود بیرون کند. قابل ذکر است که هیأت علمای اسلام یکی از ارگانهای اصلی حمایت از مقاومت مسلحانه در عراق است. آقای ضاری در همین مصاحبه اشاره کرد که نیروهای مقاومت مردم عراق هم اکنون آمادگی کامل دارند تا برای دفاع از سرزمین عراق وارد مبارزه شوند.

روحانی دیگری در عراق به نام آیت الله خالصی وجود دارد که مرجع تقلید بخشی از شیعیان عراق است. وی نیز آشکارا فتوایی علیه امضای قرارداد را صادر کرده و خواستار مبارزه با بقای امریکا در عراق شده است. آیت الله سیستانی که پیروان زیادی در عراق داشته و از قدرت معنوی عظیمی برخوردار است، متأسفانه در مورد قرارداد امنیتی قاطعانه سخن نگفت و با احاله مسأله به احزاب سیاسی، پارلمان و ملت عراق از یک موضع گیری قاطعانه کنار کشید و به اعتبار خود لطمه ای بزرگ وارد آورد.

سایر احزاب و سازمانهای موجود همه با ضد و نقیض گوئی و موضع گیریهای دو پهلو همراه با اما و اگر، از بار مسؤولیت شانه خالی کردند ولی اوضاع عراق و خواست مردم این کشور طوری است که تاکنون سیاستمداران جرأت نکرده اند حتی به امضای قرارداد نزدیک شوند.

باور دارم امضای قرارداد از طرف هر جریانی موجب موج بسیار گسترده ای از خشونت و قتل و کشتار در سراسر عراق خواهد شد. عملکرد سیاه امریکا در سال های گذشته جنایات این کشور در زندان های ابوغریب (۳) و غیره، تخریب سراسر کشور و تعطیل زندگی عمومی، مردم عراق را در آن چنان خشم و غضبی فرو برده که بیش از این تحمل وجود این "پیامبران" قتل و جنایت و تخریب را در کشور خود ندارند.

با اوضاع بحرانی جهانی از نظر اقتصادی و نقش اصلی امریکا در به وجود آوردن این اوضاع، درگیری های خونین و طولانی مدت امریکا در عراق، افغانستان، پاکستان، لبنان، فلسطین و سومالی که همراه با عدم هرگونه موفقیتی همراه بوده و موجب خشم و نفرت و اعتراض جهانیان شده است، به نظر نمی رسد امریکا بتواند سیاست استعمار عراق را در شکل دو قرارداد مطروحه امنیتی و اقتصادی به پیش ببرد.

۲۰ اکتوبر ۲۰۰۸

زیرنویسها:

۱- چند ماهی پس از اشغال کشور عراق مؤسسه "خانه آزادی" در امریکا گروهی چند صد نفره را همراه با چند صد هزار جزوه به زبان عربی تحت عنوان:

"الدیمو قراطیه فی اسبوع" یعنی دمکراسی در یک هفته همراه با چند تن "هات داگ" و نوشابه های رنگارنگ به عراق فرستاد و با دعوت از مردم در مدارس، پارک ها و مجامع عمومی و با توزیع مجانی "هات داگ" و

کوکاکولا و پبسی کولا کوشیدند که ملت عراق را سریع و درمدت کمتر از یک هفته "دمکرات" کنند که البته همگان شاهد نتایج شوم دمکراسی امریکائی بوده و هستیم. این نمونه ای بود از شیوه تفکر سیاستمداران امریکائی در مورد ملت عراق.

۲- آقای علاوی در مصاحبه چند روز پیش خود با مطبوعات اظهار داشت که محتوای قرارداد هنوز برای اکثر دولتمردان عراقی ناروشن و متن ترجمه آن از انگلیسی به عربی ناقص و ناروشن است و دارای اشتباهات آشکار و فراوانی است (سایت البدیل عراق و نیوزماتیک). در نظر بگیرید، قراردادی که قرار است برای یک دوره ۹۹ ساله سرنوشت یک ملت و کشورش را رقم بزند هنوز برای نخبگان آن ناروشن است و ببینید که قرارداد دارای چه محتوایی است که امریکا از ارائه نسخه روشن آن وحشت دارد. این نمونه ای از عملکرد و دمکراسی امریکا است.

(۳) - برای روشن شدن عملکرد دموکراتیک امریکا در عراق این مقاله را بخوانید:

فجایی که امریکائیا و اسرائیلیها در عراق و ابوغریب مرتکب شدند. مجله هفته